

و عوام تخت از بار مکان انداخته حرف سرایی مریز در ایامی بیکر و زمان پیشوای ملک صورتی معنوی خاست که بر بدل
 مکان تغییر تمام منجموشی بر آرزو نیایان هنگام تمام نماوه بدبنا برین اندیشه نظام بخش حق اساس او یافت تحقیق پذیرفت
 و عماره از خدای بسیار بخش و امیدوار بود و شطارت مقدم دولت افروسی آن کویر کتای خلافت بر دندانه در دار الحکام
 فیچو رطل است و چهار در سه نیزان بعد از گذشت بیست و شش کوی از روزش ششم شهریور ماه الهی ای سال و خشت ده موافق غره
 آب سال که از شوشند و شاد و روی مطابق از دهم بهمن ماه سال نصد و بیست و شش قیدی بزود جردی مصداق و زود است
 چهارم شهریور ماه سال چهارصد و نود و یک جلال و موافق سال نصد و هشتاد و هشت هلالی که روز پنجم افزون و غره غرای دولت
 و اقبال بود و باقی سعادت اندوز کویر کتای خلافت از سنه نصد و بیست و هشت بطن بساط وجود قدم نهاد و انتر سعادت از آن

اقبال سلوه نموده



۲۹